

آرامگاه خطیب جلیل و آزاده

سید جمال الدین واعظ اصفهانی

« ۲ »

پس از اینکه عمال استبداد خطیب بزرگ و آزاده سید جمال الدین واعظ اصفهانی را در بروجرد خفه کردند ، جسد پاکش را شبانه در گورستان معروف به یخچال ، بیرون دروازه یخچال واقع در مغرب بروجرد به خاک سپردند .

به زمان پادشاهی قاجاریان هر کس را در این شهر به فرمان حکام سر می بریدند یا بردار می کشیدند ، یا به ضرب گلوله توپ پاره پاره می کردند ، در این گورستان دفن می کردند . در آغاز سلطنت رضاشاه کبیر نیز روزی که دوازده نفر از اشرار و یاغیان آدمکش لرستان گرفتار و محکوم به اعدام شدند پس از اجرای حکم در همین گورستان بخاک شدند .

از آنگاه که جسد شهید راه حق و فضیلت سید جمال الدین واعظ در این مکان مدفون گشت نام قبرستان «جمالیه» شد و در نظر آزادیخواهان و رادمردان حرمت یافت . در سال ۱۳۲۷ قمری - تنی چند از دوستداران آزادی به بنای بقعه ای بر مزار سید جمال فدائی مشروطیت مصمم شدند . در شماره ۵۹ روزنامه ایران نو مورخ شنبه ۲۲ شوال ۱۳۲۷ قمری برابر ۱۴ عقرب (آبان) ۱۲۸۸ چنین درج شده است :

«جناب آقای ناظم‌العلمای ملایری وکیل سابق ملایر معض خدمت به عالم انسانیت اقدام به ایجاد بقعه ای در سر مقبره مرحوم مظلوم شهید راه انسانیت آقا سید جمال الدین واعظ طاب ثراه نموده ، یکصد تومان خودشان ، یکصد تومان حاجی محمد حسین آقا تاجر بروجردی ، و پنجاه تومان نواب والا عضدالسلطان برای مصرف این خیر اعانه داده اند . هر کس میل اعانت پرداخت اعانه دارد به اداره روزنامه ایران نو رجوع نموده ، قبض رسید را خدمت نواب والا سلیمان میرزا تقدیم دارد.»

اما کوشش و آرزوی این گروه بی حاصل ماند .

پس از مدتی یکی از سربازان پاکدل که مکرر از مواعظ سید بهره یافته و دریافته بود که آن پاک اعتقاد جلیل در راه حق و حقیقت جان باخته است نام وی را بر سنگی حکه ، و شبانه با ترس و بیم بر گورش نصب کرد .

مدتی بعد مؤید خاقان رئیس عدلیه وقت بروجرد که از معتقدان سید بود به تعمیر قبر او کوشید و سنگی بر آن نصب کرد . بر این سنگ ، پس از زمانی بر اثر سرما و دیگر عوامل شکستگیهایی پدید آمد چنانکه از خطوط منقور بر آن جز این عبارات و اشعار چیزی خواننده نمی شد :

« العالم الجلیل السید جمال الدین همدانی ، در اصفهان تحصیل فرموده ، از آله

تاریخ و اخبار واجله علمای کبار ، مراحل عمر در بیداری ملت و استخلاص وطن عزیز از چنگ اجانب به قدم ثبات و آزادی پیموده ، و از ادای کلمه حق بیم نفرموده ، در تاریخ شهر ... دربر وجود به درجه رفیع شهادت فائز گردید .

ز جور مرقد پاکش زدیده شد معدوم	چو شد شهید وطن سید تمام علوم
به قدر قوه نمودش به سنگ و خط معلوم	رسید خادم ملت مؤید الخاقان
کنید بار گهش را ز مرسوم	برادران غیور وطن به قدرت زر
.....	سروش غیب سرود از برای تاریخش

روز سه شنبه ۱۶ جمادی الثانی ۱۳۳۲ برابر ۲۲ ثور (اردیبهشت) ۱۲۹۳ شمسی - به قلب محسن خان فرزند میرزا علیخان ، یکی از افسران رشید و دلیر و وطن - پرست ژاندارمری که هنوز بیش از سی سال از عمرش نگذشته بود ، در جنگ با اشرار لرستان ، تیری جان شکار نشست . او در واپسین لحظات زندگی خویش به دکتر مزین السلطان پزشکیه ، ژیمان ششم که بر سر بالینش بود وصیت کرد وی را در کنار مزار شهید راه آزادی سید جمال الدین واعظ اصفهانی دفن کنند ؛ اسب و سلاحش را بفروشد و از بهای آن برگور وی و سید بنایی چهار طاقی بسازند .

هنوز از مرگ جانسوز محسن بیش از ده روز سپری نشده بود که تقی فرزند عبدالحمید یکی دیگر از صاحبمنصبان رشید ژاندارمری ، روز شنبه ۲۷ جمادی الثانی برابر دوم جوزای ۱۲۹۳ در جنگ با اشرار شربت شهادت نوشید . وی را نیز کنار قبر سید به خاک سپردند . مزین السلطان بر سر این گور چهار طاقی بنا نهاد . مدتی بعد دو افسر دیگر ژاندارمری : سلطان رحمان خان و سلطان شاپورخان نیز در جنگ با یانغان لرستان فدا شدند و آنان هم در فاصله پانزده متری مزار سید به خاک رفتند .

گورستان جمالیه شارع عام بود و کاروانهایی که از شهر به آبادیهای غربی می رفتند از آنجا می گذشتند . از این رو محوطه مزار همیشه کثیف بود و به مرور رو به ویرانی می رفت .

در سال ۱۳۰۰ شمسی میرزا همایون خان سیاح فرزند حاج سیاح معروف ، به پیشکاپری دارایی بروجرد منصوب شد . حاج سیاح و سید جمال همفکر و دوستانی صمیم و یکدل بودند ، و همایون نیز مکرر مواظ حکیمانۀ آن خطیب دانشور را شنیده بود و در دل به وی ارادت می ورزید . او وقتی به بروجرد وارد شد و دید که مزار سید رو به ویرانی است و اگر تعمیر نشود پس از مدتی کوتاه اثری از آن برجای نمی ماند در اندیشۀ تجدید بنایش افتاد . محوطه آن را به وسعت صد متر در صد متر هموار و پاک کرد . هر دو طرف محوطه به عرض سه متر و نیم درختان بیدو کبود و گل سرخ نشانند و جانب شرقی را که به علت تنگ بودن جا غرس درخت میسر نبود سیم کشید که چهار پایان و عابریان از آنجا نگذرند . چهارطاقی آجری را که مزین - السلطان بر آورده بود و در شرف انهدام بود مرمت فرمود . سه طرف چهارطاقی را با بنجره مسدود کرد و سنگ قبر رایک و جب بالا برد تا مشخص باشد ؛ و این کتیبه را بر سردر جمالیه نقش کرد :

اثری مانند در جمالیه
خسروی گفت بهر تاریخش
سال شمسی هزار و سیصد و چار
همش سد فکند از پس سد
از همایون رئیس مالیه
قطعه‌ای نغز ارتجالیه
فرودین ماه از جلالیه
این زمین شد به وضع حالیه

آنگاه روز یکشنبه دوم شوال ۱۳۴۳ قمری برابر ششم ثور (اردیبهشت) ۱۳۰۴ به منظور تجدید تجلیل از خطیب بزرگ و نمودن کوششی که در تعمیر مزار وی بعمل آمده بود، و افتتاح مدرسه چهار کلاسه‌ای که به پاس مجاهدتهای سید در بیداری مردم، «جمالیه» نام گرفته بود، در محوطه آرامگاه مجلسی آراست. در این اجتماع عده‌ای از علما و آزادی-خواهان و بزرگان حضور یافتند و علی‌رضامیرزا خسروی این نطق پر معنی را ایراد نمود:



اجتماع علما و آزادیخواهان بر و جرد بر سر مزار سید جلیل سید جمال واعظ اصفهانی در سال ۱۳۰۴ خورشیدی

بسم الله الرحمن الرحيم
آسان گذران کار جهان گذران را
پیراسته می‌دار به هر نیکی تن را
میدان جهان جمله فراز است و نشیب است
دی رفت و جز امروز میدان عمر که امید
پیش از تو جهان بوده است آن کن که پس از تو
پس از سنایش خداوند جهان و درود بر روان سرآمد پیمبران علیهم صلوات الله الملك
المنان ؛ در این مجمع صاحب‌دلان و انجمن باحسان که برای تجلیل و تبجیل و تعظیم خاک
زیرا که جهان خواند خردمند جهان را
آراسته می‌خواه به هر پاکی جان را
ای مرکب تو حرص، فروگیر عنان را
بسیار به فردا نرساند حیوان را
گویند نکو بوده ره و رسم فلان را
بر روان سرآمد پیمبران علیهم صلوات الله الملك

پاك و قبر تابناك يكي از ذراري سيد لولاك ، حضور به هم رسانيده اند با كمال ادب و با اظهار تشكر از ابراز حسي كه فرموده ، و در مقام قدرداني از زحمات اين سيد جليل جليل كه در راه خدمت به سعادت و استقلال ايران هر مكره‌يي را به جان خريده ، و بالاخره خون خود را در سرانجام مقصود فدا نمود ، برآمده اند عرضه مي‌داريم :

هر گز نميرد آنكه دلش زنده شد به عشق

ثبت است بر جریده عالم دوام ما

همه كس به خوبي مي‌داند ، و هر كس را مرتبه و درجه تأمل و بصيرت بالاتر است بهتر فهميده كه صفحات تاريخ گذشتگان ، و دفاتر سرنوشت رفتگان كه : لايفادرفيهما صنيرة ولاكبيره يعنى مجموعه‌اي كه از آنچه چشم دنيا و گوش روزگار ديده و شنيده در آن جا گرفته و سر سوزني فرو گذار نشده است كردار خوب و رفتار زشت كساني كه به نوبه خود هر چندي قائد يكه قوم و پيشاهنگ يكه طايفه و قبيله بوده اند آن جنگ بي‌پايان و آن جام جهان نما آشكار نموده و ذره‌اي را از مد نظر فراموش ننموده است . و بزرگان دنيا و آنان كه در طريق فداكاري و دفاع از نواميس مليت خود در مدت زندگاني رنجها برده و خونها خورده اند ، يا بالاخره اجرائ مقصود و انجام مطلوب خود را با خون گلو معاوضه نموده اند ، اگر در بدو امر عمليات آنها داراي جلوه صوري نبوده است ، روحانيت و معنويت اقدام افعال آنان در نزديكترين زماني به حكم آنچه تاريخ از رنج و تعب ايشان در مقابل اعلاي كلمه حقه ثبت نموده و تجسم يافته و قدر آن افعال و اعمال را به حكمت و قضاوت آتبه محول داشته و چندان اخلاف ناگزير از اداي حق و تقدير كردار اسلاف گرديده است چنانكه يگانه گوهر ذي قيمتي را كه امروز خاك بر وجود در کنار گرفته و آن بدن طيب مرحوم مبرور آقا سيد جمال الدين همداني شهير به اصفهاني طاب الله ثراه و جعل الجنة مئواه مي‌باشد با صدماتي كه در زمان حيات خود تحمل نموده ، و در آخر امر در اثر سوء القضا به دست جان شكاران محوطة شوم استبداد جان سپرد مادام الحيات برات بيداري اولاد وطن خود ، و رهاييدن آن بيچارگان از چنگال گرگان آدم‌خوار خودداري نكرده آنچه را بايد گفت ، نگفته گذاشت ، و همچگونه سد محكمي را قابل اعتنا نشمرده ، چنانكه مي‌بينم اگر مختصر زماني به سبب باقي ماندن زباله‌هاي دوره مشنوم خود سري نام ناميش مستور ، و قبر ساميش غير معمور ماند پس از هيچده سال كه از شهادت او مي‌گذرد فداكارهاي آن وجود گرانبها منظور نظر آمده و امروز به همت مجعبي از اشخاص با حس حقيقت شناس اين جمعيت تشكيل ، و اين اساس تجليل مرتب آمده ، و در مقام تعمير قبر و تنظيم قدر آن بزرگوار برآمده اند ، و اگر خود آن مرحوم نتايج زحمات خود را نديد ، روان مطهرش از غرقات جنان ناظر اين داستان ، و با لبى خندان به برادران خود خطاب و جامعه ايراني را طرف تكلم قرار داده ، و زبان روحش به اين مقال مترنم است كه :

گنبد گردنده ز روي قياس هست به نيكي و بدى حقشناس

هر كه نكوبي كند ، آتش رسد ور بدبي كرد زياش رسد

يعني اي بازماندگان عزيز ، اگر مرا زحمتي رسيد خوشدلم كه امروز شما را بي زحمت ديدم ، و اگر جفايي كشيدم خرسندم كه شما را در چنين حال قدردان زحمات خود مي‌بينم .

پس چون چنین است ، و صفحه روزگار کردار کسی را محو نخواهد نمود شما راست که در راه آزادی ملک و استقلال مملکت خود به گذشتگان اقتفا ، و به نیاکان اقتدا نموده ، سدی در مقابل اجرای مقصود نبینید و به هیچ محظوری وقعی ننهید تا آیندگان پس از شما نیز قدر حسنات اعمال شما بدانند و حق زحمات شما بشناسند .

در ازای این خطاب موعظت آمیز آن واعظ جلیل و آن ناصح جمیل ما راست که روح پر فتوحش را مخاطب ساخته ، عرضه داریم که : ای سید عظیم القدر ، آنچه فرمودی به جان و دل پذیراییم ، و توفیق اطاعت از درگاه حق متعال می طلبیم ولی ما را در این روز که برای نثار فاتحه و تقدیم تحیت در کنار قبر شریف اجتماع نموده ایم برای روان سعادت توامانت ، دو مژده هست که پس از اظهار آن مرحمتی می جویم .

یکی اینکه در چنین روزی به زیارت مرقد پاکت آمده ایم که می بینیم دست انتقام احدیت کسانی را که در ریزش خون بیگناه تودخیل بوده ، یک به یک به سزای خود رسانیده و هر یک به روزگار نکبت و بدبختی دچار ، و عنقریب است کز آنها اثری باقی نیست . چرا که فقطع دابر القوم الذین ظلوا و الحمد لله رب العالمین . و دیگر آنکه به نظر عطیت یزدانی و توجه عطوفت سبحانی یگانه رادمرد سعادت بخشی مصدر امور جامعه ایرانی واقع ، و عنان اختیار این مرز و بوم را به کف با کفایت خود گرفته ، که اگر در حیات خود موفق به دیدن او نگشتی در معاتت نتیجه زحمات را عاقل نگذاشته ، و اثر تخمالات را باطل نخواسته ، و آنچه را که آرزو می نمودی عملاً نشان داده ، و هر چه توقع می فرمودی به منصفه فعل و بروز آورده ، و او شخص شخیص ، و نفس نفیس بندگان حضرت اشرف اعظم آقای سردار سپه رئیس الوزرا و رئیس کل قوای چنان مملکتی است که برای ابقای آن جان دادی ، و اکنون خوابگاه شریف در آن واقع ، و راحتگاه عزیزت در آن قرار گرفته ؛ و به لسان مختصر عرض می کنم که اگر همت مردانه آن وجود معظم ، و سر بازان با همت رشیدش نبود ، و اطراف مضجع پاکت را از لوث وجود اشرار پاکیزه نمی فرمود ، امروز ما را جرأت و توانایی آن نبود که با این روی منبسط و چهره گشاده به فاتحه روحت قیام کنیم و به قبر محترمت سلام دهیم .

در خاتمه نیز این قسمت را مزید و بر مژده های سابق اضافه می نمایم که بر حسب مرسوم ایرانیت و اسلامیت ، آمدن ما در این محل مستلزم این بود که خیراتی آماده کرده و مبراتی تدارک نموده باشیم ؛ و اهالی این بلد را بهتر از این چیزی برای شادمانی روح پاک و بدن طیبیت به نظر نمی رسد جز آنکه مدرسه ای به یادگار وجود مفتوح ، و اسم آن را به افتخار نام نامیت جمالیه نامیده و همین روز را که دومین روز از ماه شهادت باشد ، روز افتتاح آن قرار داده و شاگردان آن را به دور قبر شریف طوف دهند چرا که :

نام نیکو گر بماند ز آدمی به کز و ماند سرای زرنگار

و اطراف گرامیت را خیابانی کشیده و سایبانی قرار داده ، و کسانی که دست قدرت خالق الموت و الحیات هم بالین و هم بستر قرار داده و خواهد داد به نام شریف خوشدل و مباحی گردید ، زیرا که :

چو دنیا و جاهش ندارد دوام خوش آنکو به گیتی بود نیکنام

مخارج مدرسه از اعانات تجارت تریاک و درآمد ذبایح و مساعدتهای مالی گروهی از نیکوکاران تأمین می‌شد. گفتنی است که در انجام رساندن این کارهای بزرگه که در آن روزها به سبب ناآرامی محیط و حساسیت و بدگمانی مردم نسبت به ایجاد مدارس جدید سخت دشوار می‌نمود شاهزاده علیرضا میرزای خسروی رئیس حسابداری مالیه بروجرد که مردی دانا و دانشپور و متدین و درویش بود به همایون سیاح یاریها کرد. (۱)

در سال ۱۳۱۵ شمسی - ۲۴۹۵ - به منظور زیبایی و آبادانی شهرها ، شهرداریها موظف شدند گورستانهای قدیمی و متروک را به باغ و پارک تبدیل کنند . شهردار و فرماندار وقت بروجرد گورستان جمالیه را تسطیح و باغ کرد و شاید به تعمد مزار سید جمال‌الدین خطیب ، و گور محسن و تقی دو افسر شهید را که در راه پیراستن وطن از وجود یاغیان شربت شهادت نوشیده بودند زیر خاک کرد . دو سال بعد حسین شجره که از اعضای عالی مقام وزارت دارایی بود و بزرگه مردی دانشمند است وارد بروجرد شد. به مساعدت گروهی از فرهنگیان قبر



باغ جمالیه بروجرد ، مزار سید جلیل سید جمال واعظ که به همت حسین شجره بازسازی شده با نشانه X مشخص است

۱ - آخرین شغل اداری خسروی مستشاری دیوان عالی محاسبات بود . او که روز شنبه ۱۴ تیرماه ۱۲۷۱ شمسی تولد یافته بود روز سه شنبه ششم دی ۱۳۴۵ - ۲۵۲۵ - درگذشت .

سید و افسران شهید را از زیر خاک بیرون آورد و بر مزار خطیب جلیل سنگ بزرگی که این عبادات بر آن نقش بود نصب کرد :

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق

به هنگام جنبش آزادی ایران تنی چند از جوانمردان ایران برای بیداری مردم جان بر کف نهاده و فداکاری کردند ؛ یکی از آن رادمردان حق جو و حقگو سید جمال‌الدین خطیب مشهور اصفهانی است که حق را گفت و در بروجرد به سال هزار و سیصد و بیست و شش هجری قمری در ماه شوال المکرم شربت شهادت نوشید، و چون آثار قبر او رو به انهدام گذاشته بود به سال هزار و سیصد و هفده خورشیدی به شیوه نوینی تعمیر گردید. امر داد ۱۳۱۷.

در سال ۱۳۱۹ شمسی - ۲۴۹۹ - شهرداری برای استقرار ادارات خود ساختمانی زیبا در باغ جدید (گورستان سابق جمالیه) بنا نهاد و شهربانی نیز عمارتی در آن بر آورد. به تدریج برای زیبایی بیشتر ، باغ و این دو ساختمان ، به صورتی بدیع آراسته گشت؛ دور مزار رسید و دو افسر، خیابان احداث ، و برکناره آنها درختان صنوبر و اقاچیا و زبان گنجشک و شمشاد غرس گردید ، و در جاهای مناسب گلکاری شد . قبرها تا عمارت شهرداری فقط شانزده متر فاصله دارد و بیشتر این فاصله گلکاری است .

در سال ۱۳۴۸ ، - ۲۵۲۸ - سازمان حفاظت آثار باستانی ایران در صدد تعمیر قبر سید جمال اصفهانی برآمد و محمود مهران در تاریخ چهارم اسفند ۱۳۴۸ به تیمسار سپهبد آقاوالی رئیس وقت انجمن آثار ملی نوشت :

«به طوری که استحضار دارند مرحوم سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی از مبارزان راه مشروطیت بود که توسط عمال استبداد به شهادت رسید و هم اکنون قبر او در بروجرد وضع نامطلوبی دارد . در مسافرت اخیر اینجانب به ژنو آقای جمال‌زاده ضمن اظهار تأثر از این وضع تقاضا داشت انجمن آثار ملی که همواره در احیای مفاخر ملی و مقابر بزرگان ایران اقدامات مفید و مؤثر مبذول می‌دارند در این مورد بخصوص نیز بذل مساعدت فرمایند.»

موضوع تعمیر قبر خطیب جلیل در جلسه مورخ هجدهم اسفند هیأت مؤسسان انجمن آثار ملی مطرح و با اجرا و انجام آن موافقت شد و چهل و پنج هزار تومان به این کار اختصاص یافت . طرح تعمیر را مهندس محسن فروغی پس از رفتن به بروجرد و معاینه محل تهیه کرد. بنابراین طرح چون وضع محل چنان بود که ساختن بنای یاد بود بر روی قبر مناسب نبود به این اقتضای رفت که سنگ یک پارچه‌ای از خارا با قطعات سنگهای بزرگ از همان نوع به صورتی مناسب به جای سنگ پیشین نصب گردد . پس از تصویب طرح روز ششم تیرماه ۲۵۳۰ انجمن آثار ملی به فرمانداری بروجرد نوشت :

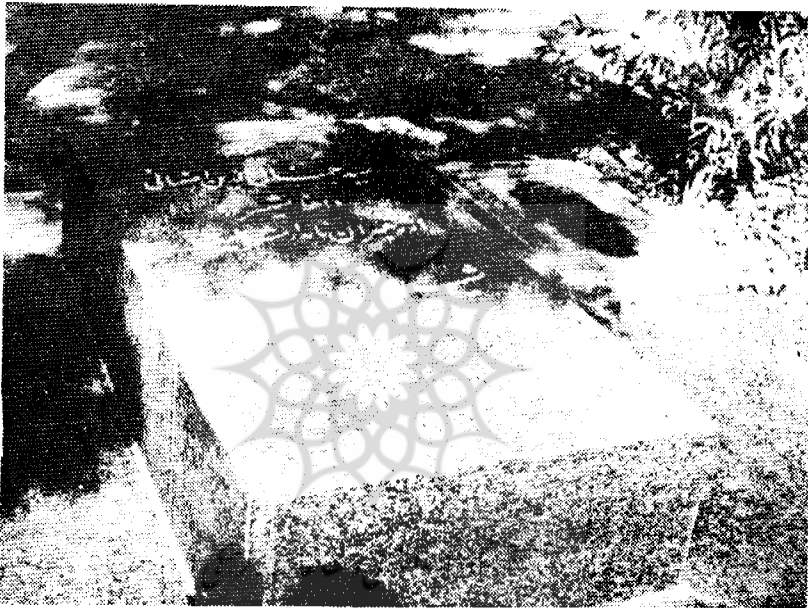
«بر اثر مراجعه و توجه علاقه مندان به مقام شادروان سید جمال‌الدین اصفهانی خطیب نامدار و شهید راه آزادی ایران از چندی قبل با تشریک مساعی سازمان محترم ملی حفاظت آثار باستانی ایران پس از بررسیهای لازم طبق نظر و نقشه جناب آقای سناتور مهندس محسن فروغی ترتیب تهیه سنگهایی از سنگ خارا جهت آرامگاه آن شادروان داده شده که از طرف

بنگاه آقای قنبر رحیمی استادکار زبردست سنگ در ایران تهیه گردیده است و برای نصب در محل خود به بروجرد حمل می‌شود. تمنا دارد مقرر فرمایند در انجام این خدمت از طرف آقایان رؤسای ادارات و متصدیان مربوط همکاری و تشریک مساعی شایسته بعمل آید. موجب کمال امتنان خواهد بود.

سنگی که روی آن این عبارات حک شده :

مزار سید جمال‌الدین واعظ شهیر از رهبران نامدار مشروطیت و شهید راه آزادی

ایران ۱۲۷۹ - ۱۳۲۶ - ۱۲۴۱ - ۱۲۸۷



مزار سید فاضل کامل که به همت انجمن آثار ملی بازسازی شده است

با دقت نصب و مزار با مواظبت تعمیر شد. تفضلی سرپرست وقت شهرداری بروجرد نیز به زیباتر کردن محوطه مزار کوشش و مراقبت بسیار کرد و آنجا را به چمن و انواع گل آراست. بدین گونه بازسازی مزار سید فاضل کامل جلیل‌القدر سید جمال خطیب اصفهانی به نیکوترین صورت پایان پذیرفت و اکنون چنان خوش منظر و زیباست که زیارتگاه شیفتگان آزادی و دانشوران است.